

پیش‌خوران

مواضع امام خمینی درباره آیت‌الله منتظری، در آیینه یک اثر تاریخی

آنچه سلسله جنبان انقلاب در خشت خام دید!

شاهد توحیدی



«سیر در بیراهه» به بازخوانی آن نشده است. علی‌جعفری هرسرستانی و محمد اسماعیل پسندیده سامان دهندگان این پژوهش در دیباچه‌ان اشاراتی به قرار

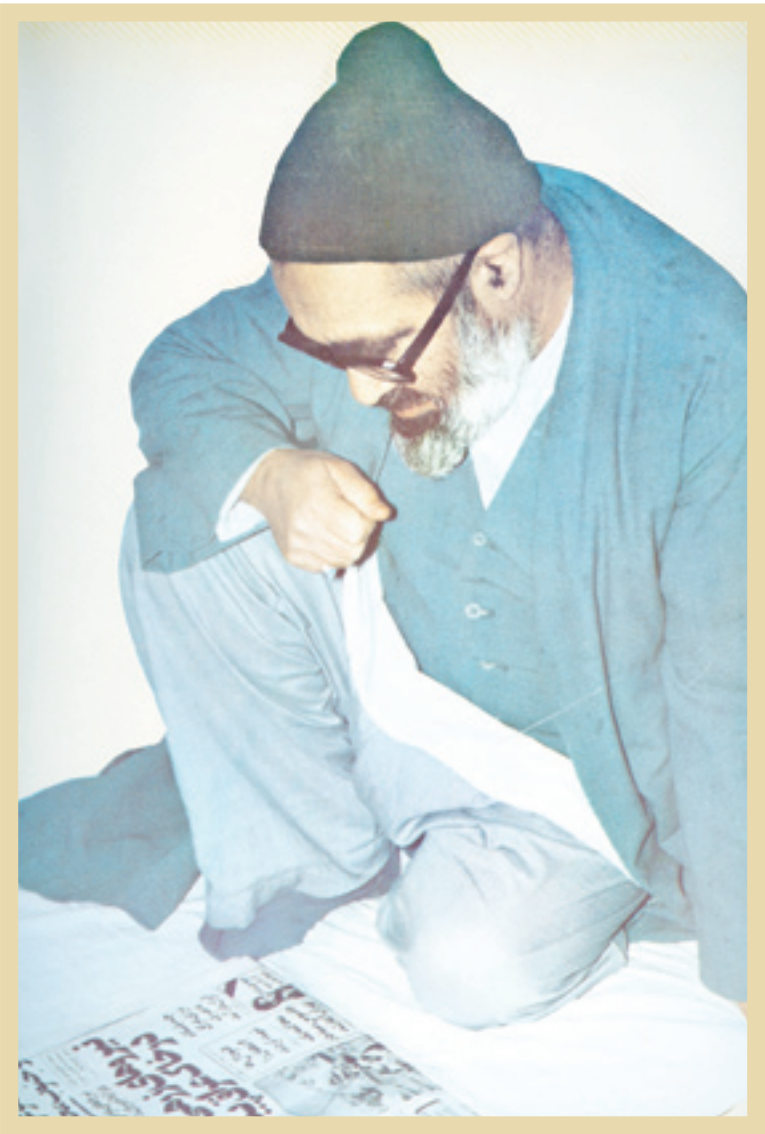
ذیل دارند:
«ماجرای قائم‌مقامی و عزل آیت‌الله منتظری و حوادثی که در حاشیه آن اتفاق افتاد، یکی از مسائل مهم و عبرت‌آموز در طول حیات جمهوری اسلامی به حساب می‌آید. وی یکی از روحانیون مبارز و انقلابی بود که در دوران پیش از انقلاب اسلامی و در جهت مبارزه با رژیم شاه، سختی‌های فراوانی تحمل نمود. پس از پیروزی انقلاب، او از طرف مجلس خبرگان رهبری، به عنوان قائم‌مقام رهبری انتخاب شد و با تبلیغات اطرافیان فرصت‌طلب و هم‌راهی ناآگاهانه برخی دلسوزان انقلاب، به عنوان جانشین امام خمینی شناخته شد. پس از آن رفته رفته حوادثی رخ داد که در آخر منجر به عزل ایشان از این سمت، توسط امام شد. نفوذ افراد ضدانقلاب در بیت آیت‌الله منتظری و سوءاستفاده از ساده‌لوحی ایشان علت اصلی این امر بود. از این‌رو امام خمینی از ایشان خواستند تا از سیاست فاصله گرفته و به تدریس در حوزه بپردازند. اگر چه ایشان در ظاهر و ابتدای امر، نظر امام را پذیرفت، اما نفوذ اطرافیان باعث شد پس از مدت کوتاهی، وی موضع پیشین خود را فراموش کند. جریان انتخاب آیت‌الله منتظری به عنوان گزینه پیشنه‌ای رهبر آینده توسط خبرگان و حوادثی که در آخر منجر به عزل او از این سمت شد، قسمت مهم و سرنوشت‌سازی از تاریخ پس از انقلاب



دکتر ۶۰، آیت‌الله حسینعلی منتظری

را تشکیل می‌دهد که تبیین آن برای فهم بهتر حوادث دوران حیات پر برکت امام و شناخت برخی جریانات انحرافی موجود در جامعه- که پس از رحلت امام به تقابل با ولایت فقیه و نظام اسلامی پرداختند- امری ضروری است. در این میان روشن شدن مواضع حضرت امام در مقابل این جریان، به ویژه برای نسل جوان جامعه- که به‌طور زنده و ملموس دوران حضرت امام(ره) را درک کرده است- بسیار راهگشا خواهد بود. در این مجموعه تلاش شده است ضمن اشاره اجالی به تاریخ حوادث قائم‌مقام رهبری، متن کامل مواضع و بیانات حضرت امام به عنوان بنیاد تاریخی، برای درک و تحلیل بهتر این حوادث ذکر گردد. از آنجا که هدف مجموعه حاضر، تبیین مواضع حضرت امام در مورد آیت‌الله منتظری است، بررسی کامل زندگی و شخصیت و افکار آیت‌الله منتظری در این اثر مورد توجه نبوده است.

عنوان این کتاب، متضمن روایتی از امام‌صادق(ع) است که می‌فرماید: العامل علی غیر بصیر، «کالسائر علی غیر الطریق، لا یزیده سره‌اللبیر! الابدعا! کسی که از روی بی‌بصیرتی عمل کند، مانند سیرکننده و راه‌رونده‌ای است که سیر در بیراهه می‌کند و هر چه سریع‌تر حرکت و بیشتر تلاش نماید، جز دور شدن از مقصد، چیزی به دست نمی‌آورد! دالم بدون بصیرت موجب هدایت انسان نمی‌شود، همانگونه که علم بدون تقوا و مقابله با هوای نفس، انسان را به سر منزل مقصود نمی‌رساند. ساده‌لوحی و بی‌بصیرتی، مهم‌ترین عامل خروج بیت‌الله منتظری از صراط‌مستقیم انقلاب اسلامی و خط امام خمینی بود، نکته‌ای که بارها و بارها از سوی امام به وی تذکر داده شد و او اعتنایی نکرد؛ اولین چپ‌اپ این اثر، در قالب کتابچه و تحت عنوان بولتن تبلیحی توسط بسیج دانشجویی دانشگاه امام‌صادق(ع) در ۲هزار نسخه به فاصله یک روز پس از درگذشت آیت‌الله منتظری برای اشغاف‌سازی و روشنگری در ایام فتنه سال ۱۳۸۸، منتشر گردید و اکنون با اصلاحات و تغییراتی مجدداً منتشر گردیده است…»



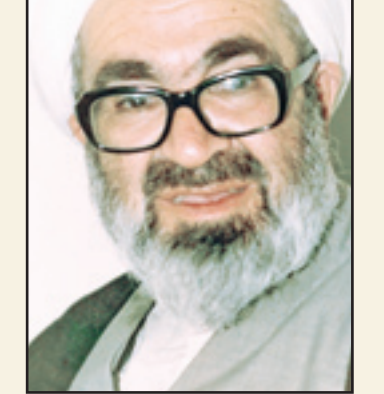
تازه‌هایی از سرشت و سر نوشت آیت‌الله حسینعلی منتظری در آیینه یک خوانش تحلیلی

مهدی هاشمی‌به‌اقداماتی اعتراف کرد که اطلاعات از آن بی‌خبر بود!



یک‌ی از مهم‌ترین مدخل‌ها به زندگی علمی و سیاسی آیت‌الله حسینعلی منتظری، وجهه نداشتن او در حوزه قم و در نگاهی کلان‌تر، حوزه‌های علمیه سراسر کشور بود. او به دلیل چند خطب بزرگ در زندگی خود از جمله: نگارش تقریظ بر شهید جاوید، اظهار نظری شاد درباره غضب فدک در دهه ۶۰ و از تباط با باند تبهکار مهدی هاشمی معدوم در جامعه روحانیت شیعه، موقعیت مناسب و مطلوبی نداشت. از این روی اعلام قائم‌مقامی رهبری نامبرده توسط مجلس خبرگان اول، بخش‌هایی از روحانیت را به واکنش واداشت، واکنش آیت‌الله سیدصادق روحانی به این مسئله و تقابل فرزند آقای منتظری با وی و نیز دوگانگی‌ها و تناقضات رفتاری منتظری در برابر علمای وقت حوزه از جمله نکاتی است که در گفت‌ووشود مقام امنیتی فوق آمده، مورد توجه قرار گرفته است:

«پس از علنی شدن نظر خبرگان درباره قائم‌مقامی آقای منتظری، آقای سیدصادق روحانی قبل از درش، سخنرانی کرد و علیه و به آقای منتظری داشتند می‌دانید که تقریباً بیوت تمام مراجه سیدها، با ماجرای تقریظ آقای منتظری بر کتاب شهید جاوید و بعدتر شهادت آقای شمس آبادی توسط سیدمهدی هاشمی، حساسیت‌های خاصی نسبت به آقای منتظری داشتند و اصطلاحاً دلشان با او صاف نشده بود. چه مراجع، چه فضلا و مدرسین نمی‌توانستند او را ببندیرند، ولی همه ملتزم به سکوت بودند؛ در این فضا مسئله قائم‌مقامی آقای منتظری هم برای این طیف سنگین می‌آمد، اما اولین و شاید تنها کسی که رسماً خطا را شکست و مخالفت علنی اش را اعلام کرد، سیدصادق روحانی بود. پس از این قضیه، مدیرکل قم به منزل او رفته و با او صحبت کرده بودند و چون بـر مخالفش اصرار داشت و حاضر به تصحیح علنی آن نبود، تصمیم بر این شد که محدودیت‌هایی بر او اعمال شود. این بر خورد، در آن موقع خیلی صدا کرد، اما آقای منتظری یک اعتراض کوچک هم به این مسئله نکرد، یک کلامه هم به مسئولان اطلاعاتی نکرد که این چه برخوردی است که با او کرده‌اید. تازه بعدش هم سند جعلی علیه او ساخته شد که با ساواک مرتبط بوده است؛ چه کسی این کار را کرد؟ همان سعید منتظری! و آقای منتظری این بار هم عین خیالش نبود! اینکه سعید با هدایت سیدها، این کار را



دکتر ۶۰، آیت‌الله حسینعلی منتظری

را تشکیل می‌دهد که تبیین آن برای فهم بهتر حوادث دوران حیات پر برکت امام و شناخت برخی جریانات انحرافی موجود در جامعه- که پس از رحلت امام به تقابل با ولایت فقیه و نظام اسلامی پرداختند- امری ضروری است. در این میان روشن شدن مواضع حضرت امام در مقابل این جریان، به ویژه برای نسل جوان جامعه- که به‌طور زنده و ملموس دوران حضرت امام(ره) را درک کرده است- بسیار راهگشا خواهد بود. در این مجموعه تلاش شده است ضمن اشاره اجالی به تاریخ حوادث قائم‌مقام رهبری، متن کامل مواضع و بیانات حضرت امام به عنوان بنیاد تاریخی، برای درک و تحلیل بهتر این حوادث ذکر گردد. از آنجا که هدف مجموعه حاضر، تبیین مواضع حضرت امام در مورد آیت‌الله منتظری است، بررسی کامل زندگی و شخصیت و افکار آیت‌الله منتظری در این اثر مورد توجه نبوده است.

عنوان این کتاب، متضمن روایتی از امام‌صادق(ع) است که می‌فرماید: العامل علی غیر بصیر، «کالسائر علی غیر الطریق، لا یزیده سره‌اللبیر! الابدعا! کسی که از روی بی‌بصیرتی عمل کند، مانند سیرکننده و راه‌رونده‌ای است که سیر در بیراهه می‌کند و هر چه سریع‌تر حرکت و بیشتر تلاش نماید، جز دور شدن از مقصد، چیزی به دست نمی‌آورد! دالم بدون بصیرت موجب هدایت انسان نمی‌شود، همانگونه که علم بدون تقوا و مقابله با هوای نفس، انسان را به سر منزل مقصود نمی‌رساند. ساده‌لوحی و بی‌بصیرتی، مهم‌ترین عامل خروج بیت‌الله منتظری از صراط‌مستقیم انقلاب اسلامی و خط امام خمینی بود، نکته‌ای که بارها و بارها از سوی امام به وی تذکر داده شد و او اعتنایی نکرد؛ اولین چپ‌اپ این اثر، در قالب کتابچه و تحت عنوان بولتن تبلیحی توسط بسیج دانشجویی دانشگاه امام‌صادق(ع) در ۲هزار نسخه به فاصله یک روز پس از درگذشت آیت‌الله منتظری برای اشغاف‌سازی و روشنگری در ایام فتنه سال ۱۳۸۸، منتشر گردید و اکنون با اصلاحات و تغییراتی مجدداً منتشر گردیده است…»

تاریخ

تاریخ ۸۸۴۹۸۴۳۷

حاشیه‌ای این مجموعه، مثل مدارس و طیف سیدمهدی هاشمی هستم، شماموظفیداین مسئله را پیگیری کنید... جالب بود که گزارش‌هایی به امام رسیده بود، که از ناحیه دستگاه‌های اطلاعاتی نبود. امام این مسئله را به عنوان یک ماموریت ویژه، از آقای ری‌شهری مطالعه کرده بودند. آن موقع از سایر نشان‌ها حدس می‌زدم، که امام مطالب دیگری هم به ایشان گفته باشند و یک ماموریت بزرگی را به ایشان داده باشند. این صحبت امام وقتی در جمع چندنفر از دوستان وزارت مطرح شد، ما به این نتیجه رسیدیم که امام دنبال یک هدفی است، تحلیل کردیم که مقصودنهایی امام چیست؟ دنبال سیدمهدی و جرائمش است؟ دنبال قم و انحراف جمع چندنفر از دوستان وزارت مطرح شد، ما به این نتیجه رسیدیم که امام دنبال یک هدفی است، تحلیل کردیم که مقصودنهایی امام چیست؟ دنبال باسکازی بیت و اطرافیان آقای منتظری است؟ چون سال ۶۲هم در پیامشان به افتتاحیه خبرگان هشدار دادند: باید بدانید که تهیه‌کنان و جنایت‌پشنگان، بیش از هرکس چشم طمع به شما دوخته‌اند و باشخاص نفوذی در بیوت شما، با چهره‌های صددرد، صدا اسلامی و انقلابی، ممکن است خدای ناخواسته فاجعه به بار بیاورند و با یک عمل انحرافی، نظام را به انحراف بکشانند و با دست‌شما، به اسلام و جمهوری اسلامی سیلی بزنند.

الله‌الله در انتخاب اصحاب خود، الله در تعجیل در انتخابان به افتتاحیه خبرگان هشدار دادند: باید بدانید که تهیه‌کنان و جنایت‌پشنگان، بیش از هرکس چشم طمع به شما دوخته‌اند و باشخاص نفوذی در بیوت شما، با چهره‌های صددرد، صدا اسلامی و انقلابی، ممکن است خدای ناخواسته فاجعه به بار بیاورند و با یک عمل انحرافی، نظام را به انحراف بکشانند و با دست‌شما، به اسلام و جمهوری اسلامی سیلی بزنند. الله‌الله در انتخاب اصحاب خود، الله در تعجیل در انتخابان به افتتاحیه خبرگان هشدار دادند: باید بدانید که تهیه‌کنان و جنایت‌پشنگان، بیش از هرکس چشم طمع به شما دوخته‌اند و باشخاص نفوذی در بیوت شما، با چهره‌های صددرد، صدا اسلامی و انقلابی، ممکن است خدای ناخواسته فاجعه به بار بیاورند و با یک عمل انحرافی، نظام را به انحراف بکشانند و با دست‌شما، به اسلام و جمهوری اسلامی سیلی بزنند. الله‌الله در انتخاب اصحاب خود، الله در تعجیل در انتخابان به افتتاحیه خبرگان هشدار دادند: باید بدانید که تهیه‌کنان و جنایت‌پشنگان، بیش از هرکس چشم طمع به شما دوخته‌اند و باشخاص نفوذی در بیوت شما، با چهره‌های صددرد، صدا اسلامی و انقلابی، ممکن است خدای ناخواسته فاجعه به بار بیاورند و با یک عمل انحرافی، نظام را به انحراف بکشانند و با دست‌شما، به اسلام و جمهوری اسلامی سیلی بزنند.

الله‌الله در انتخاب اصحاب خود، الله در تعجیل در انتخابان به افتتاحیه خبرگان هشدار دادند: باید بدانید که تهیه‌کنان و جنایت‌پشنگان، بیش از هرکس چشم طمع به شما دوخته‌اند و باشخاص نفوذی در بیوت شما، با چهره‌های صددرد، صدا اسلامی و انقلابی، ممکن است خدای ناخواسته فاجعه به بار بیاورند و با یک عمل انحرافی، نظام را به انحراف بکشانند و با دست‌شما، به اسلام و جمهوری اسلامی سیلی بزنند. الله‌الله در انتخاب اصحاب خود، الله در تعجیل در انتخابان به افتتاحیه خبرگان هشدار دادند: باید بدانید که تهیه‌کنان و جنایت‌پشنگان، بیش از هرکس چشم طمع به شما دوخته‌اند و باشخاص نفوذی در بیوت شما، با چهره‌های صددرد، صدا اسلامی و انقلابی، ممکن است خدای ناخواسته فاجعه به بار بیاورند و با یک عمل انحرافی، نظام را به انحراف بکشانند و با دست‌شما، به اسلام و جمهوری اسلامی سیلی بزنند.

الله‌الله در انتخاب اصحاب خود، الله در تعجیل در انتخابان به افتتاحیه خبرگان هشدار دادند: باید بدانید که تهیه‌کنان و جنایت‌پشنگان، بیش از هرکس چشم طمع به شما دوخته‌اند و باشخاص نفوذی در بیوت شما، با چهره‌های صددرد، صدا اسلامی و انقلابی، ممکن است خدای ناخواسته فاجعه به بار بیاورند و با یک عمل انحرافی، نظام را به انحراف بکشانند و با دست‌شما، به اسلام و جمهوری اسلامی سیلی بزنند. الله‌الله در انتخاب اصحاب خود، الله در تعجیل در انتخابان به افتتاحیه خبرگان هشدار دادند: باید بدانید که تهیه‌کنان و جنایت‌پشنگان، بیش از هرکس چشم طمع به شما دوخته‌اند و باشخاص نفوذی در بیوت شما، با چهره‌های صددرد، صدا اسلامی و انقلابی، ممکن است خدای ناخواسته فاجعه به بار بیاورند و با یک عمل انحرافی، نظام را به انحراف بکشانند و با دست‌شما، به اسلام و جمهوری اسلامی سیلی بزنند.

الله‌الله در انتخاب اصحاب خود، الله در تعجیل در انتخابان به افتتاحیه خبرگان هشدار دادند: باید بدانید که تهیه‌کنان و جنایت‌پشنگان، بیش از هرکس چشم طمع به شما دوخته‌اند و باشخاص نفوذی در بیوت شما، با چهره‌های صددرد، صدا اسلامی و انقلابی، ممکن است خدای ناخواسته فاجعه به بار بیاورند و با یک عمل انحرافی، نظام را به انحراف بکشانند و با دست‌شما، به اسلام و جمهوری اسلامی سیلی بزنند.

الله‌الله در انتخاب اصحاب خود، الله در تعجیل در انتخابان به افتتاحیه خبرگان هشدار دادند: باید بدانید که تهیه‌کنان و جنایت‌پشنگان، بیش از هرکس چشم طمع به شما دوخته‌اند و باشخاص نفوذی در بیوت شما، با چهره‌های صددرد، صدا اسلامی و انقلابی، ممکن است خدای ناخواسته فاجعه به بار بیاورند و با یک عمل انحرافی، نظام را به انحراف بکشانند و با دست‌شما، به اسلام و جمهوری اسلامی سیلی بزنند.

الله‌الله در انتخاب اصحاب خود، الله در تعجیل در انتخابان به افتتاحیه خبرگان هشدار دادند: باید بدانید که تهیه‌کنان و جنایت‌پشنگان، بیش از هرکس چشم طمع به شما دوخته‌اند و باشخاص نفوذی در بیوت شما، با چهره‌های صددرد، صدا اسلامی و انقلابی، ممکن است خدای ناخواسته فاجعه به بار بیاورند و با یک عمل انحرافی، نظام را به انحراف بکشانند و با دست‌شما، به اسلام و جمهوری اسلامی سیلی بزنند.

الله‌الله در انتخاب اصحاب خود، الله در تعجیل در انتخابان به افتتاحیه خبرگان هشدار دادند: باید بدانید که تهیه‌کنان و جنایت‌پشنگان، بیش از هرکس چشم طمع به شما دوخته‌اند و باشخاص نفوذی در بیوت شما، با چهره‌های صددرد، صدا اسلامی و انقلابی، ممکن است خدای ناخواسته فاجعه به بار بیاورند و با یک عمل انحرافی، نظام را به انحراف بکشانند و با دست‌شما، به اسلام و جمهوری اسلامی سیلی بزنند.

می‌کرد. افراد بیت هم بین این دو طیف تقسیم شده بودند، ولی بازی گردان اصلی، سیدهای بود که هم آدم زیر یکی بود و هم بالاخره داماد ایشان بود. بین دوستان هم مطرح بود که می‌گفتند معلوم نیست بالاخره شیخ حسین ابراهیمی رئیس دفتر است یا سیدهای؟ یعنی عملاً و تنظیم‌کننده معادلات و مراودات بیت بود. برادرش سیدمهدی هم بعدها در اعتراضاتش گفته بود که من اصلاً آنجانی رفتم، ولی خلاف گفته است! می‌رفت، اما کم. حتی مدیرکل اطلاعات قم می‌گفت سیدهای در همان بیت، من و سیدمهدی را به هم معرفی کرد. البته بودن یا نبودن سیدمهدی، تغییری در اصل مسئله ایجاد نمی‌کرد، چون اینها یک تیم بودند و پیش‌بردن نظراتشان در بیت آقای منتظری، نیازی به حضور فیزیکی سیدمهدی نداشت. برادرش همه‌کاره بیت بود. خوب ما به عنوان دستگاه امنیتی، توانستیم از این شکاف استفاده کنیم و آورده خوبی داشته بشیم. البته که این مسئله هم سختی‌های خودش را داشت. چون اولاً اینکه این دو جناح به‌رغم اختلافات بین خودشان به دستگاه اطلاعاتی تازه تشکیل شده خیلی اعتماد نداشتند، ثانیاً اینکه کلاس و سطح کار هم بالا بود. یعنی قائم‌مقامی آقای منتظری در سطح جامعه و خبرگان، تازه مطرح شده و بایزیر ۶۴ قطعاً شده بود و شما با بیت قائم‌مقام رهبری مواجه هستید که گوئی به‌زودی زمام‌امور کشور را به‌دست خواهد گرفت. برآوردهای مستقیم و غیرمستقیم اطلاعاتی هم نشان می‌داد که اینها خودشان را از ان‌هم‌کاره کشور می‌دانند و گاردشان این بود که امام را بگیر از کار افتاده و کارش تمام است! حتی سیدهای چندبار به برخی مسئولان اطلاعاتی گفته بودند که الحمدلله تثبیت شده و فقط مسئله نهضت جهانی اسلام است که امام هم در این قضیه نه سرشته دارد و نه حوصله‌اش را و فرمان این قضیه، در دست آقای منتظری است! ضمن اینکه به خاطر محضورت‌ها و تراکم‌امور در دفتر امام و حال جسمی ایشان، امکان ملاقات راحت با امام برای همه مسئولان نبود و بنابراین همه مسئولان کشور را شما

در دفتر آقای منتظری می‌دیدید. هر کسی که آن طرف ملاقات نداشت، می‌آمد این طرف! اتفاقیه‌تجهت هم می‌گرفتند، چون امام فردی بود که به راحتی نمی‌شد تحت تأثیرش قرار داد و دستور و توصیه از او گرفت، ما این طرف می‌آمدند اصلاًحباب‌را می‌کرشان، بله را می‌گرفتند و می‌فند! اینهایی هم که کار را بلد بودند، اصلاً اینا نبود پیش آقای منتظری بیاینده، باید سجدای کار امری بستند و کارشان پیش می‌رفت، پیام و توصیه می‌گرفتند و این حرف‌ها. لذا دفتر آقای منتظری، شکل خیلی عجیب پیدا کرده بود…».

■ **اعترافات مهدی هاشمی مابه‌ازای بیرونی داشت!**

آیت‌الله منتظری وی‌باند مهدی هاشمی معدوم تاکنون اعترافات مهدی هاشمی را تحت فشار و بی‌اعتبار قلمداد کرده‌اند. این در حالی است که ازآنجانبیرونی در اعترافات خویش ذکر کرد، ما به‌ازای بیرونی داشت و ده‌ها متنق خارجی، اصل و گستره آن را تأیید می‌کرد. این نکته‌ای است که در خاطرات مقام امنیتی نیز به‌شرح ذیل بیان شده است:

«در ماجرای تعقیب باند مهدی هاشمی، طیف آقای منتظری و این افراد همه چیز را زیر سر سیدها، و آقا و احمد آقامی دانستند. بی خبر از اینکه این سه نفر، اصلاً در مدار تصمیم‌گیری‌های عملیاتی نبودند و فرمان راهبری کلان هم به‌دست امام بود و لاغیر. از قضا نامه فروردین و ماجراهای مربوطبه بیرونی می‌توان فهمید امام در این کیس، منفرد بوده است. موضوع آقای منتظری درباره اعترافات سیدمهدی هم خیلی جالب است. در خاطراتش آورده است: از نظر فقهی این اعترافات حجیت ندارد!ا خبر بینندگان،اینکه اعترافات کسی مثل سیدمهدی اصلاًحآخبر واحد است، قبول ندارم. زندانی در زندان و تحت فشار، ممکن است این حرف‌ها را بزند. سیدمهدی هم آدم فلسفی است: و این خاکم فاسق بِنِتْرَا فِتْنِيْوُا بله؟ اگر بنا باشد برای اثبات یک موضوع، فقط اعترافات او را ملاک بگیریم، به لحاظ فقهی پذیرفته نیست، اما وقتی می‌بینیم اعترافات او با سایر فرائن و ادله تادیب می‌شود، باید چه کرد؟ یعنی مثلاً طرف اعتراف کرده فلاسفی ار فلان جا با این کیفیت کشته‌ایم و می‌روند جنازه را پیدا می‌کنند. گفته فلان جا فلان کار را کرده‌ام، می‌روند سایرین را می‌گیرند و آنها هم همان حرف را می‌گویند. اینجا هم باید گفت

حجیت شرعی ندارد؟ ضمن اینکه گاهی که بازجو مطبئی (ما می‌دانم، ولی می‌خواهد صداقت منتم را بیازماید با اطلاعاتش را کامل کند، می‌توانیم بگوییم به طرف فشار آورده‌اند که اعتراف کند؟) از اگر بازجو چیزی را نمی‌دانست و خود منتم به آن اعتراف کرد، تکلیف چیست؟ بعضی چیزها را اصلاً بازجوهایم دانستند و سیدمهدی هاشمی، خودش آنها را گفت. خیلی چیزهایی که نمی‌دانستند و شاید سوالی هم نکردند، خودش نشسته به برادرش هادی نامه‌نوشته که ما چنین کردیم، اینها چیزی نیست که قابل انکار باشد. روشن است و دارد گزارش می‌کند که طیف ما در دفتر چه می‌کردیم. مثلاً درباره دفتر انبطوری می‌نویسد: شگردهایی که اخوی در مدیریت دفتر داشت، عبارتند از اینکه در دیدارهایی که با آقای منتظری این صورت می‌گرفت، چگونه خبر به راديو و تلویزیون اده شده است؟ فرد مزبور در آن‌هاان عمومی مطرح گردد یا نه. از بساب مثال، پیش آن قسمت از سخنان آقارا که جنبه انتقادی از مسئولان سپاه و غیره داشت پررنگ‌تر نشان دادند نظیر آزادی مطبوعات و کودتای خزنده در سپاه. مثلاً دیدارهای آقای طاهری اصفهانی ا برجسته می‌شد و بسیاری از افرادی که آقارا زیارت می‌کردند، از آنها نامی برده نمی‌شد. خوب اینها چیزهایی است که گفته‌های او با واقعیات بیرونی تطابق دارد…».